

شوخ‌ی با تیتیر روز نامه‌ها



افزایش تقاضای سنگ قبر قسطنطینی بادیست دوم تا چند سال دیگه از عزیز مرحوم فقط یک خاطره می‌مونه.



رفع تحریم‌ها با توافق موقت تأمین نمی‌شود ای بابا، چرا کسی نمی‌فهمه چاره کار فقط امضای کری است؟!



ناگفته‌های دختر درباره پدر

بعد از چندین جلد خاطرات و نامه‌نگاری‌های خانوادگی، فقط به هاشمی می‌تونه هنوز ناگفته داشته‌باشه!



قیمت خرما خیلی بالا رفت

به جای «قیمت خرما» هر عبارت دیگری بگذارید؛ تیریک! تیتیر هر روز آماده است!



بازار طلا از سه‌گانه افتاده است

افتاده‌اش اینه، وای به حال سربا بودنش!

تقال یک مصرف‌کننده بی‌دیوان حافظ

امان از دست ساقی‌ها



محمدرضا رفیعی

ساقیا بر خیز و ذرده جام را خاک بر سر کن اغم ایام را با توجه به کاربرد امروزی ساقی، ماده مخدر شیشه‌است. اینجا شخصی برای خرید شیشه نزد ساقی رفته تا یک متاعی بستانند و بزنده به امید اینکه غم و غصه‌اش ببرد.

گر چه بدنامی‌ست نزد عاقلان ما نمی‌خواهیم ننگ و نام را مصرف‌کننده در این بیت اذعان می‌دارد که می‌داند مواد باعث بی‌آبرویی‌اش در جامعه می‌شود و مردم او را انگل صدا می‌زنند، ولی در ادامه تأکید می‌کند که آبرو و جایگاه اجتماعی‌به نیمکره چپ مغزش هم نیست.

باده ذرده چند از این باد غرور خاک بر سر نفس نافرجام را مصرف‌کننده که الان جنسش را خریده و آماده مصرف است، اعتراف می‌کند که از سر غرور و لیج و لجبازی، خود را به این حال و روز انداخته و در ادامه با گریه می‌گوید: «ای خاک تو سر من که اراده ندارم این لعنتی رو ترک کنم».

دود آه سینه نالان من سوخت این افسردگان خام را در این بیت دیگر کار تمام شده و مصرف‌کننده جنس را تا ته مصرف کرده و به پشیمانی بعد از مصرف دچار شده است؛ و حالا می‌گوید که تمام خانواده‌اش به‌خاطر دودی شدن او، افسردگی گرفتند و او را طرد کردند.

با دلارامی مرا خاطر خوش است کز دلم یک باره بُرد آرام را در ادامه به عشق دوران جوانی‌اش اشاره می‌کند که اسمش دلارام بوده و به از شما نباشد بسیار دختر نجیب و خانواده‌داری بوده است و اتفاقاً او هم این را دوست داشته ولی وقتی می‌فهمد که پسرک معتاد است، برای همیشه ترکش می‌کند.

صبر کن حالا به سختی روز و شب عاقبت روزی بیایی کام را در این بیت مصرف‌کننده به شدت متحول شده و قبول مرده‌ای می‌دهد که به هر بدبختی شده ترک کند تا بلکه روزی دوباره عمرش را نجات دهد. خدا را چه دیدی چه بسا دلارام هم برگشت.

ما هم به نوبه خود قول می‌دهیم اگر مصرف‌کننده عزیز سر قولش بماند و ترک کند یا پدر دلارام صحبت کنیم ببینیم چه می‌شود. لازم به ذکر است که این شعر را مصرف‌کننده از دیوان حافظ پیدا کرده بود و جهت شرح‌حال خودش برای ما خواند، یک وقت سوه‌تفاهم نشود.

۴) خودروسازان عرضه خودرو به بازار را بیشتر کرده‌اند، اما جاده مخصوص ترافیک سنگین، حدفاصل سایپا تا ایران خودرو، مسیر غرب به شرق مسدود به دلیل عملیات آواربرداری؛ از شهرداری و آقای رئیس‌خواستاریم، لطفاً!

۵) دلیل پنجم که محتمل تر به نظر می‌رسد اینکه خودروسازان عرضه و کیفیت را بیشتر کرده‌اند، قیچی مناسب هم به تعداد لازم بوده، ترافیک هم نبوده و هیچ عملیات آواربرداری هم نوج! اما سامور مرکز شماره‌گذاری راهور جوش نبوده و آن آقایی که جلو ماشین‌ها را می‌گیرد تا پلاک را به ضرب دوتا پرتج به ماشین بکوبد، گفته تا چایی نخورم محال است پلاک بکوبیم و اگر پلاک مردم کج بشود یا میخ پرتج اشتباهی جایی بخورد که نباید، شما جوابش را می‌دهید؟! نه! خدایی!

۱) منتظرند رئیس‌جمهور جدید معلوم شود و دولت جدید سر کار بیاید تا ببیند اوضاع چطوری می‌شود و کی به کی است. از شورای نگهبان و وزارت کشور درخواست می‌کنیم دست بجهانماند!

۲) افزایش تولید خودرو و عرضه به بازار از طرح‌های دولت قبل بوده و حالا دیگر نمی‌توانند این طرح را افتتاح کنند چون قیچی بُریدن رویان را به اندازه دست‌و‌پا‌ز صمت آن دولت سفارش داده‌اند و نمی‌شود! از شرکت چینی تولید قیچی درخواست می‌شود یک کشتی از همان قیچی‌ها بفرستند.

۳) مدیران خودروسازی هنوز پاداش «این» افزایش‌های قیمت را نگرفته‌اند که ترتیب «آن» عرضه بیشتر را بدهند و خودروهای سبز شده در پارکینگ‌ها را به بازار عرضه کنند. منتظرند تا پول نواز بانک مرکزی برسد. پس آنگاه! بدین وسیله از ریاست محترم بانک مرکزی و معاونت محترم پول و اسکناس مستعفی است.

از آنجایی که نباید!

از آنجایی که باوجود افزایش قیمت چندباره خودرو، خودروسازان هنوز عرضه به بازار را افزایش ندادند، تفاوت چندانی در بازار خودرو ایجاد نشده و ایضاً در کیفیت خودروها هم، لذا چند فرضیه محتمل است:



بهزاد توفیق فر

دیوانه حافظ
«از ثبات خودم این نکته خوش آمد که به جور»
مادر هم نتوانست تکلم بدهد

پیشنهاد تحلیلگر

چون لب‌ت بر شکر و قند بخندد گویند: زهرمار!

پیشنهادی درکار نیست چون با گرانی شکر می‌توانند به جای کبک، نان سنگک تولیدکنند.

۴- همانطور که خانم‌ها فقط با آرد و شکر هزارنوع کبک و شیرینی با عطر و طعم متفاوت می‌پزند، این توانمندی در آقایان هم هست. شما کلی خوراکی تحویلشان بدهید تا غذا بپزند، خروجی آخرش می‌شود املت! به گفته شاهدان عینی، لوبیا چیتی دادند به‌عموم تا خوراک لوبیا درست کند، در دیگ که باز شد املت داخلش بود، بر همین اساس برای تساوی آقایان و خانم‌ها در این رقابت نابرابر پیشنهاد می‌شود شکر از سبب خانوار حذف شود تا خروجی کبک‌های خانگی، بشود بربری، فقط در این صورت حقوق هردو برابر است، زنده باد تساوی مرد و زن.

۵- به دلیل گرانی شکر پیشنهاد می‌شود در ادبیات، الگوی عشقی خسرو و شیرین تغییر داده شود به برج زهرمار و خسرو، تا کسی دیگر دلش هوای شهید و شکر و شیرینی نکند.

صنعت شیرینی و شکلات نهنها بوی نفت نمی‌دهد بلکه مقام اول صادرات صنایع غذایی با سهم ۴۰ درصدی را دارد. در اهمیت علاقه‌مان به شیرینی همین بس، نان عسلی را هم با جای شیرین می‌خوریم. خیارشور که از اول اینجور نبود. هرکاری کردیم که شیرین شود و قابل خوردن، نشد که نشد.

یعنی با شیرینی و شیرین شدن نساخت ما هم تنبیهش کردیم انداختیمش داخل دبه نمک و شد خیارشور. ما اصلاً یک مدل شیرینی درست کردیم که آخرسر باز شکر می‌ریزم رویش جوری که این بلورهای شکر زیر دندانمان خرد شود، چیزی شبیه اینکه نان بربری را بگذاریم لای نان باگت و بخوریم. مثل خوردن قند با جای شیرین. مجموع تولیدات صنایع شیرینی، شکلات و بیسکویت ایران یک میلیون و ۷۰۰ هزار تن است، البته ظرفیت تولید دوبرابر است اینکه چرا نیست؟ هزار دلیل دارد یکی گرانی شکر، سرانه مصرف شیرینی و شکلاتمان ۲۰ کیلوست. کمتر از بعضی کشورها. شنیدید که یکی از افراد ذریبط در این صنف گفت: افزایش قیمت شکر به‌خاطر حفظ سلامت مردم است! بر همین اساس پیشنهاد می‌شود:

- ۱- برای کاهش تصادفات، بنزین گران شود.
- ۲- ما حتی در فاتحه‌خوانی‌ها مان هم شیرینی مخصوص اموات را داریم، زین‌پس چوب‌شور، چیس فلفلی، سیرترشی هفت‌ساله و تخم‌مرغ آب‌پز خیرات کنیم.
- ۳- در کشور ۱۸۰۰ واحد فعال در صنعت شیرینی و شکلات داریم.



مهدی سلیمان‌نژاد

پدر و پدربچد سانسور

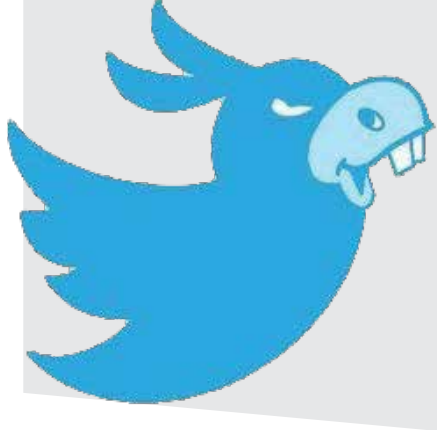
سمیرا فرمادی

شبکه فارسی سعودی از لندن (واقعاً که!) گزارش داده که نمایندگان جمهوری خواه کنگره امریکا به دنبال تحقیق و تفحص از توییتر هستند، ببینند علت حذف نشدن توییتر ایرانی‌ها با موضوع «انتقام» چیست.

همین اول کار؛ سؤال پیش آمده این است که «انتقام» بابت چه موضوعی؟ که همین اندازه هم به ذهن نمایندگان کنگره و شبکه سعودی نرسیده و هی دارند به هم نگاه می‌کنند، می‌گویند: «چیزی شده؟»

کنگره بعد از کوییدن اینستاگرام توی سر توییتر، گفته: «حجم سانسورش رو داشتی؟» توییتر هم، قیافه بچه‌اول‌ها را گرفته و هم‌زمان با پاک کردن اشک‌هایش جواب داده: «اینستاگرام تهش باید عکس و هشتگ حذف کنه. ولی من باید دونه‌دونه توییتر بخنوم. اونم با کیفیت گوگل ترنسلیت.. آخرش هم برسیده: «حالا با تهدیدهای دانش‌آموزان ایالات مختلفه به تیراندازی در مدرسه هم، با همین فرمون پیش برم؟» کنگره گفته: «نه».

بعد روی هم را بوسیده‌اند و خداحافظ...



وام کارت قلبی واکسن

علیرضا عبّدی

آقای احمدی کارمند است. او از شوهر خاله اقدس باجناب دایی ناصر، خودش شنیده که نباید واکسن زد؛ واکسن‌ها همگی یخ‌زده برزیلی هستند. چون با چشمان خودش دیده که آنها را درون جعبه و یخ حمل می‌کنند. او برآی اینکه همکارش قانعش نکند که واکسن بزند، می‌خواست آن آتویی که از وی دارد را رو کند. همکارش نمی‌داند که این واکسن‌ها برای شست‌وشوی مغزی و نصب میکروچیپ جی‌پی‌اس دار است! آقای احمدی هرچه نباشد، ارشدش را از فروشگاه‌های جلوی دانشگاه خریده است.

تویببخ نداشتن کارت واکسن در اداره، کاری کرد که آقای احمدی درخواست وام مساعده کند. ۵۰۰ هزار تومان برای جعل کارت واکسن قلبی، آقای احمدی آن‌قدر مخارج برای مصارف اینترنت و گشت و گذار در سایت‌ها و پیج‌های وزن علمی می‌گذارد که حقوقش تا سر برج کفاف نمی‌دهد. مثل آقای احمدی نباشیم!

روى سگش بالا آمد. ما ترسیدیم و گفتیم «چون مجبور می‌شوند از شکم ما بزنند و بدهند به پوشک و ما دچار حسادت می‌شویم و باید هی ما را پیش روان پزشک بیاورند». خانم موعلم! آقای دکتر بعد از این جواب خیلی سعی کرد خودش را کنترل کند. ما ترسیدیم نتواند برون‌ریزی کند و در آینده برایش مشکلی پیش بیاید. ما شکلات را به او برگردانیم و خواستیم آرامش خودش را حفظ کند. دکتر پرسید «اگر داداش داشته باشیم حالمان خوب می‌شود؟» ما گفتیم «آقای روان‌پزشک! پدر و مادرمان با این اعصابی که دارند و سنشان هم که بالا رفته داداشمان نمی‌شود یا اگر بشود او را می‌کشند».

آقای دکتر به منشی گفت ده جلسه مشاوره برای پدر و مادرمان بنویسد.

خانم موعلم اجازه؟ مادرمان وقتی می‌بیند ما یا کسی حرف می‌زنیم، بپوشگی به بابایمان می‌گوید تغلی بچه‌خل شده. آنها نمی‌دانند ما خودمان خل شده‌ایم تا یک داداش برامان بیاورند. آنها به جای اینکه برای ما داداش بیاورند ما را پیش روان‌پزشک بردند.

دکتر خواست بدانند آدمی که با او حرف می‌زنیم چه شکلی است؟ ما گفتیم «از قدیم گفته‌اند به در ریگو دیوار بشود، اما پدر و مادرمان خیلی اهل اشاره غیر مستقیم نیستند». آقای دکتر که گوشی دستش را از جیب جعبه باهوشی سر کار دارد، یک شکلات به ما داد و پرسید «دلت می‌خواهد یا چه کسی در خانه بازی کنی؟» با اینکه جواب ما کاملاً مشخص بود، نخواستیم دکتر دچار سرخوردگی شود و جواب دادیم «با داداشمان». آقای دکتر باز هم یک شکلات از جیبش درآورد و گفت «آقرین پسر! حالا چرا فقط یکی؟» ما هم گفتیم «پس چند تا؟»

هار هار هار... آقای دکتر این بار به ما شکلات نداد و به قول پدرمان آن



سپیده فریبانی



انشایی درباره داداش آوری

بچه‌مون خله!

فال روز

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

فرزانه زینلی

ای صاحب فال! همه دیوان مرا هم که بگردی، بهتر از این بیت پیدا نمی‌کنی. یعنی می‌خواهم بگویم اصل جنس را برایت آوردم، نه دویبیتی‌های بی‌سر و ته کوچه بازاری. کلید رسیدن به موفقیت را ریخته‌ام توی یک بیت حرف و فقط باید درست به کار ببندی. دو کلمه تو حساب تفسیر نمی‌خواهد. دوستت را در آغوش بگیر، به دشمنت هم اعتماد کن. بالاخره یک چیزی می‌دانسته که دشمنت شده!

اصلاً بگذار لب مطلب را بگویم؛ امضای دشمنت تضمین خوبی است. می‌رسی تضمین چی؟ تضمین همه‌چی، از معاهده بگیر تا از دواج؛ سخت‌نگیر تا دنیا به کامت سخت‌نخرد، قهرمان دیپلماسی می‌شوی!

مدیر عامل اتحادیه مرکزی دام‌سبک:

توزیع کننده یا همان قصابان بازار را می‌چرخانند و برای قیمت گوشت قرمز نرخ تعیین می‌کنن.

نازنین اسماعیل زاده

مرور سال ۲۰۲۱ / بخش پنجم

کنف شدن اسرائیل

به بهانه شروع سال ۲۰۲۲ میلادی، نگاهی می‌اندازیم به برخی اتفاقات مهم و بعضاً عجیب سال ۲۰۲۱

کنف اسرائیل

البته این مورد مربوط به سال ۲۰۲۱ نمی‌شود و اتفاقی است که همه‌ساله می‌افتد. اسما هم اسرائیل به‌رغم هزینه‌هایی که کرده بود تا بلکه جهانیان آدم حسابش کنند، باز هم کنف شد و کسی محل سگ به آنها نگذاشت.

از جمله اینکه طی عملیات سیف‌القدس، موشک‌های جبهه مقاومت یک‌جوری گنبد آهنین اسرائیل را سوراخ سوراخ کردند که دیگر اوراقی هم گنبدشان را نمی‌خرد. بعد هم که در مسابقات المپیک، ورزشکاران کشورهای مختلف به بازیکنان اسرائیلی محل سگ هم نگذاشتند و با آنها مسابقه ندادند. این آخری هم که رزمایش نظامی سپاه یک‌جوری آنها را ترساند که مجدداً قیمت پوشک در اسرائیل با افزایش بی‌سابقه مواجه شد. خلاصه که هرسال بدبخت‌تر از پارسل!